

کانال رسمی متوسطه

دوم کشور

تهیه کننده: استاد مسیح خواه

ID: @motavasti2

واژگان درس یک و دو مشترک

ذا: این ← هذا

ذات: دارای

ذاک: آن

زان: زینت داد

سائح: گردشگر

شَرَرَة: اخگر (پاره آتش)

شَعَب: ملت

صار: شد (مضارع: يَصِيرُ)

ضَع: بگذار (وَضَع: گذاشت)

ضياء: روشنایی

عَلِمَ: یاد داد

عَيَّنَ: مشخص کن

(ماضی: عَيَّنَ)

(مضارع: يُعَيِّنُ)

غَرَسَ: کاشت

غُصُون: شاخه‌ها (مفرد: غُصْن)

غَيِمَ: ابر

فَرَاغَ: جای خالی

قَاعَة: سالن

كُلُوا: بخورید

كَمَّلَ: کامل کن

(ماضی: كَمَّلَ / مضارع:

يُكَمِّلُ)

أَجْرَى: جاری کرد

أُخْرَى: دیگر

أَخْلَصَ: مخلص شد

أَمْسَكَ: به دست گرفت و

نگه داشت

أَنْ...: که، این که ...

أَنْ أَسَافِرَ: که سفر کنم

إِنْتَفَعَ: سود برد (مضارع:

يَنْتَفِعُ)

أَنْجُم: ستارگان

أَنْزَلَ: نازل کرد

(مضارع: يُنْزِلُ)

أَنْعَمَ: نعمت‌ها

أَوْجَدَ: پدید آورد

(مضارع: يُوجِدُ)

بَالِغَ: کامل

بَنَى: ساخت

تَرَجَّمَ: ترجمه کن

(ماضی: تَرَجَّمَ)

(مضارع: يُتَرَجِّمُ)

تَعَارَفَ: آشنایی با همدیگر

جَذَوَة: پاره آتش

جَهَّزَ: مجهز کرد

ما أَجْمَلَ: چه زیباست

مُسْتَعْرَة: فروزان

مُسْتَعِين: یاری جوینده

(مُسْتَعِيناً بِ: با کمک)

مُضِيْف: مهمان نواز

مَطَار: فرودگاه

مَعَ الْأَسْف: متأسفانه

مَنْ ذَا: این کیست؟

مُنْهَمَزَة: ریزان

نَاسِبَ: مناسب شد (مضارع: يُنَاسِبُ)

نَضْرَة: تر و تازه

نَمَتَ: رشد کرد «مؤنث»

(ماضی: نَمَا / مضارع: يَنْمُو)

وَرَثَ: به ارث گذاشت

يَتَرَاخَمُ الْخَلْقُ: آفریدگان به هم مهربانی

می کنند

يَتَنَاجِيَانِ: با هم راز می گویند

يَجْرَى: جاری است، جاری می شود

يَسْتَغْفِرُ: آمرزش می خواهد

يَكْفَى: بس است

يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ: برای دو نفر بس است

يُنَابِعُ: جوی‌های پر آب، چشمه‌ها

«مفرد: يَنْبِوع»

مترادف و متضاد

يَسَارٌ ≠ يَمِينٌ	رَخِيصٌ ≠ غَالِيٌ	نَاجِحٌ ≠ رَاسِبٌ
بَعِيدٌ ≠ قَرِيبٌ	بَدَايَةٌ ≠ نَهَايَةٌ	بَيْعٌ ≠ شِرَاءٌ
مَمْنُوعٌ ≠ مَسْمُوحٌ	حَزِينٌ ≠ مَسْرُورٌ	قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ
صِدْقٌ ≠ كَذِبٌ	يَنْفَعٌ ≠ يَضُرُّ	زَرَءٌ ≠ حَصَدٌ
عَدَاؤٌ ≠ أَمْسٌ	ضِيَاءٌ ≠ ظَلَمَةٌ	قَصِيرٌ ≠ طَوِيلٌ
نَاجِحٌ = فَائِزٌ	مُجْتَهِدٌ = مُجِدِّدٌ	نُورٌ = ضِيَاءٌ
مَرٌّ = فَاكِهَةٌ	غَيْمٌ = سَحَابٌ	شَرَّةٌ = جَذْوَةٌ
سَنَةٌ = عَامٌ	أَجْرٌ = ثَوَابٌ	وَجَعٌ = أَلَمٌ
مَوْتٌ ≠ حَيَاةٌ	كُوكَبٌ = نَجْمٌ	وَضَعٌ = جَعَلٌ
طَاعَةٌ ≠ مَعْصِيَةٌ	وَجَدٌ ≠ فَقْدٌ	عَدَاوَةٌ ≠ صَدَاقَةٌ
يَوْمٌ ≠ لَيْلٌ	صِدْقٌ ≠ كَذِبٌ	حَسَنَةٌ ≠ سَيِّئَةٌ

جمع و مفرد

دُرٌّ: دُرٌّ	عُصُونٌ، أَغْصَانٌ: عُصْنٌ	أَنْعُمٌ: نَعْمَةٌ
أَبْوَابٌ: بَابٌ	أَنْفُسٌ: نَفْسٌ	أَنْجُمٌ: نَجْمٌ
أَحْجَارٌ: حَجَرٌ	عَقَارِبٌ: عَقْرِبَةٌ	أَصْدِقَاءٌ: صَدِيقٌ
أَيَّامٌ: يَوْمٌ	أَلْوَانٌ: لَوْنٌ	مَلَابِسٌ: مَلْبَسٌ

قُبُور: قَبْر	أجزاء: جُزء	يَنَابيع: يَنْبوع
دَقَائِق: دَقِيقَة	بِلاد: بِلَد	أبواب: باب

قواعد:

اسم از نظر جنس:

اسم از نظر جنس به مذکر و مؤنث تقسیم میشود.

مذکر: اسمی که بر جنس نر دلالت می کند و یا اسم هایی که جزو مؤنث ها نباشد.

مؤنث: اسمی است که بر جنس ماده دلالت می کند و یا علامت مؤنث (ة) دارد. مانند: أمّ، مادر، جدوة: پاره آتش

بیشتر بدانیم:

گروه سوم مؤنث ها آنهایی هستند که: علامت ندارد ولی با آن مانند مؤنث رفتار می شود:

۱- اسم شهرها و کشورها: ایران، اصفهان، شیراز

۲- اعضای زوج بدن: يد (دست)، اذن (گوش)، عین (چشم)، ...

۲- اسم های زیر:

شمس	نفس	نار	دار	حرب	سما	ارض	ريح	بئر
خورشید	نفس	آتش	خانه	جنگ	آسمان	زمین	باد	چاه



برای تشخیص مؤنث و مذکر در اسم های جمع باید به مفرد آنها مراجعه کنیم.

مثلاً عَمَلَةٌ جمع عامل است پس مذکر محسوب میشود. اَنْعُم جمع نعمة است و مؤنث محسوب میشود.

اسم از نظر تعداد

مثنی

- بر دو شخص یا دو شیء دلالت می‌کند.
- علامت: ان - - ین
- مانند: رَجُلَانِ، نَافذَتَیْنِ

جمع

بر بیش از دو شخص یا شیء دلالت می‌کند و بر سه قسم است:

۱- جمع مذکر سالم	علامت: وَنْ - ینْ	مانند: مُعَلِّمُونَ - طَالِبِیْنَ
۲- جمع مؤنث سالم	علامت: ات	مانند: مُسَلِّمَات - مُعَلِّمَات
۳- جمع مکسر	علامت: ندارد (سماعی است)	مانند: طُلَّاب - کُتُب - نَوَافِذ



۱- کلماتی که با مثنی اشتباه می‌شوند:

- مفرد: نِسِیَان، عَطَشَان، طَیْرَان، شَیْطَان، عُدْوَان و ...
- جمع مکسر: أَلْوَان، أَدِیَان، جَدِرَان، إِخْوَان، أَغْصَان، بُلْدَان و ...

۲- کلماتی که با جمع مذکر سالم اشتباه می‌شوند:

- بساتین، قَوَانین، شَیاطین، مَساکین،.....

۳- کلماتی که با جمع مؤنث سالم اشتباه می‌شوند:

- أموات، أوقات، أیبات، أصوات



۱- هُنا و هُنَا اسم اشاره های مخصوص مکان هستند. هُنَا اشاره به نزدیک و هُنَا اشاره به دور

(بیشتر بدانیم: هُنَا در اول جمله غالباً معنای وجود دارد میدهد)

۲- هؤلاء و اولئک برای مذکر و مؤنث یکسان بکار می‌روند.

۳- برای جمع غیر انسان از اسم اشاره مفرد مؤنث استفاده می‌کنیم؛

هذه الصّوف، تلك الحقائق، هذه جملات.

۴- در ترجمه اسم اشاره مثنی و جمع، اگر اسم بعد از آن، ال داشت، اسم اشاره را مفرد ترجمه می‌کنیم؛
هؤلاء اللاعبون: این بازیکنان - هذان التلمیذان: این، دو دانش‌آموز

جدول کلمات پرسشی

کلمه پرسشی	ترجمه	مثال
هَلْ، أ (حرف)	آیا	هَلْ سافرتَ إلى إيران حتى الآن؟ نَعَمْ
مَنْ (مَنْ ذا)	چه کسی	مَنْ ذا الَّذي أوجدها؟
لِمَنْ	برای چه کسی، مال چه کسی	لِمَنْ هذا المرقد؟ لِأمير المؤمنين.
ما، ماذا	چه چیزی	ماذا في حقيبتك؟ كتاب. ما اسمك الكريم؟ اسمي حسين.
ماهي (مؤنث) ماهو (مذكر)	چیست	ماهو في يدك؟ هذا جوال.
أَيْنَ	کجا	أينَ الموظف؟ في قاعة المطار.
مِنْ أَيْنَ	اهل کجا	مِنْ أَيْنَ أنت؟ مِنْ الجمهورية الإسلامية الإيرانية.
مَتَى	چه زمانی؟ کی	مَتَى تَرجعُ إلى إيران؟ الأسبوعُ القادِمُ.
كَمْ	چندتا، چه مقدار	كَمْ تلميذاً في الصف؟ إنا عشر تلميذاً
لماذا	برای چه، چرا	لماذا كُنتَ غائِباً؟ لأنني كنتُ مريضاً.
كَيْفَ	چگونه	كَيْفَ حالك؟ أنا بخير. كَيْفَ ذهبتَ إلى المدرسة؟ بالسيارة. كَيْفَ نمتَ من حَبَّة؟



- ۱- از کلمات پرسشی، أ و هَل حرف و بقیه اسم هستند. در جواب این دو حرف نَعَمْ یا لا میاوریم.
- ۲- در جواب لماذا و لِمَ از لَ یا لِانَّ استفاده میکنیم.

اعداد اصلی و ترتیبی

اعداد اصلی

واحدِ إثنانِ ثلاثِ أربعِ خمسَ ستَ سبعِ ثمانیِ تسعِ عشرَ أحدَ عشرَ إثنَا عشرَ
واحدةٌ إثنانِ ثلاثُ أربعةٌ خمسةٌ ستةٌ سبعةٌ ثمانيةٌ تسعةٌ عشرةٌ إحدى عشرةً إثنَا عشرةً
یک دو سه چهار پنج شش هفت هشت نه ده یازده دوازده

اعداد ترتیبی

الأولُ الثاني الثالثُ الرابعُ الخامسُ السادسُ السابعُ الثامنُ التاسعُ العاشرُ الحادي عشرَ الثاني عشرَ
الأولى الثانيةُ الثالثةُ الرابعةُ الخامسةُ السادسةُ السابعةُ الثامنةُ التاسعةُ العاشرةُ الحادية عشرَ الثانية عشرَ
یکم دوم سوم چهارم پنجم ششم هفتم هشتم نهم دهم یازدهم دوازدهم



۱- مؤنث الأول، الأولى است. بقیه اعداد با اضافه شدن «ة» مؤنث میشوند.

۲- اعداد ترتیبی معمولاً وزن فاعل دارند.

۳- برای بیان ساعت از اعداد ترتیبی استفاده می‌کنیم. الساعةُ الرابعةُ: ساعت چهار (در درس دو مفصل به بحث عدد میپردازیم)

جدول ضمایر:

شخص	ضمیر منفصل	ضمیر متصل	ترجمه
اول شخص مفرد	أنا	ی	من
	مذکر: أنتَ	کَ	تو
	مؤنث: أنتِ	کِ	تو
دوم شخص مفرد	مذکر: هُوَ	ه	او
	مؤنث: هِیَ	ها	او
سوم شخص مفرد	نَحْنُ	نا	ما
	مثنی مذکر و مؤنث: أنتمَا	کَمَا	شما
	جمع مذکر: أنتم	کُمْ	شما
اول شخص جمع	جمع مؤنث: أنتنَّ	کُنَّ	شما
	مثنی مذکر و مؤنث: هُما	هُما	آن‌ها (آن دو)
دوم شخص جمع	جمع مذکر: هُم	هُم	آن‌ها
	جمع مؤنث: هُنَّ	هُنَّ	آن‌ها



۱- در صیغه متکلم وحده بین مذکر و مؤنث فرقی نیست. أنا طالبٌ، أنا طالِبَةٌ

۲- در صیغه متکلم مع الغیر علاوه بر مؤنث و مذکر؛ بین مثنی و جمع هم فرق نیست. (اما در مفرد بکار

نمی‌رود)

نَحْنُ طَالِبَانِ نَحْنُ طَالِبَاتُ نَحْنُ طُلَّابُ نَحْنُ طَالِبَاتُ

مبحث فعل

جدول فعل ماضی و مضارع و مستقبل

ضمیر	فعل ماضی	ماضی منفی	مضارع	مضارع منفی	ماضی استمراری	مستقبل
من ← آن	كَتَبْتُ	نَوَشْتُمْ	أَكْتُبُ	مِی نَوِیْسَم	لَا أَكْتُبُ	نَمِی نَوِیْسَم
تو	أَنْتَ كَتَبْتَ	نَوَشْتِی	مَآكْتُبْتِی	نَوَشْتِی	نَكْتُبُ	مِی نَوِیْسِی
	أَنْتِ كَتَبْتِی	نَوَشْتِی	مَآكْتُبْتِی	نَوَشْتِی	تَكْتُبِیْنَ	مِی نَوِیْسِیْنَ
او	هُوَ كَتَبَ	نَوَشْتِ	مَآكْتُبَ	نَوَشْتِ	يَكْتُبُ	مِی نَوِیْسِدُ
	هِيَ كَتَبَتْ	نَوَشْتِ	مَآكْتُبَتْ	نَوَشْتِ	تَكْتُبُ	مِی نَوِیْسِدُ
ما ← نحنُ	كَتَبْنَا	نَوَشْتِیْمِ	مَآكْتُبْنَا	نَوَشْتِیْمِ	نَكْتُبُ	مِی نَوِیْسِیْمِ
شما	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ	نَوَشْتِیْدِ	مَآكْتُبْتُمْ	نَوَشْتِیْدِ	تَكْتُبَانِ	مِی نَوِیْسِیْدِ
	أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ	نَوَشْتِیْدِ	مَآكْتُبْتُنَّ	نَوَشْتِیْدِ	تَكْتُبُوْنَ	مِی نَوِیْسِیْدِ
ایشان	كَتَبُوا	نَوَشْتُوْا	مَآكْتُبُوا	نَوَشْتُوْا	يَكْتُبُوْنَ	مِی نَوِیْسُوْا
	كَتَبْنَا	نَوَشْتُوْا	مَآكْتُبْنَا	نَوَشْتُوْا	تَكْتُبَانِ	مِی نَوِیْسُوْا
	كَتَبُوا	نَوَشْتُوْا	مَآكْتُبُوا	نَوَشْتُوْا	يَكْتُبُوْنَ	مِی نَوِیْسُوْا
هُنَّ	كَتَبْنَ	نَوَشْتُوْا	مَآكْتُبْنَ	نَوَشْتُوْا	يَكْتُبْنَ	مِی نَوِیْسُوْا

فعل امر

فعلی است که در آن انجام کاری را از کسی درخواست می‌کنیم. و از صیغه های دوم شخص مفرد و جمع ساختی می‌شود. به تفاوت فعل های مضارع و امر آن توجه کنید.

ترجمه	فعل امر	ترجمه	فعل مضارع	ضمیر
بشنو	إِسْمَعْ	می شنوی	تَسْمَعُ	أنتَ (دوم شخص مفرد)
بشنو	إِسْمَعِي	می شنوی	تَسْمَعِينَ	أنتِ (دوم شخص مفرد)
بشنوید	إِسْمَعُوا	می شنوید	تَسْمَعُونَ	أنتم (دوم شخص جمع) مثنی مذکر و مؤنث
بشنوید	إِسْمَعُوا	می شنوید	تَسْمَعُونَ	أنتم (دوم شخص جمع) مذکر
بشنوید	إِسْمَعْنَ	می شنوید	تَسْمَعْنَ	أنتن (دوم شخص جمع) مؤنث

بیشتر بدانیم:

طریقه ساختن فعل امر از مضارع:

۱) حرف مضارعه (ت) حذف می‌شود.

۲) آخر فعل مجزوم می‌شود یعنی اگر آخر فعل ضمه داشت، ضمه تبدیل به ساکن میشود و اگر آخر فعل نون داشت، نون آخر حذف میشود، البته بجز نون جمع مؤنث که باقی میماند و حذف نمیشود

۳) حالا اگر بعد از حذف (ت)، اول فعل ساکن باشد، یک همزه به اول آن اضافه میکنیم. که حرکت همزه کسره میباشد مگر اینکه حرکت عین الفعل (ضمه) باشد که در این صورت حرکت همزه نیز ضمه خواهد بود.



مثال: تَجَلِّسْ؛ اجلس

تَكْتُبْ؛ اکتب

تَذْهَبْ؛ اذهب

فعل نهی

فعل نهی فعلی است که انجام ندادن کاری را فرمان میدهد. یا به عبارتی مخاطب را از کاری نهی می کند. به تفاوت فعل مضارع و نهی آن توجه کنید:


ضمیر	فعل مضارع	ترجمه	فعل امر	ترجمه
أنتَ (دوم شخص مفرد)	تَسْمَعُ	می شنوی	لا تَسْمَعْ	نشنو
أنتِ (دوم شخص مفرد)	تَسْمَعِينَ	می شنوی	لا تَسْمَعِي	نشنو
أنتما (دوم شخص جمع) مثنی مذکر و مؤنث	تَسْمَعَانِ	می شنوید	لا تَسْمَعَا	نشنوید
أنتم (دوم شخص جمع) مذکر	تَسْمَعُونَ	می شنوید	لا تَسْمَعُوا	نشنوید
أنتن (دوم شخص جمع) مؤنث	تَسْمَعْنَ	می شنوید	لا تَسْمَعْنَ	نشنوید

بیشتر بدانیم:


برای ساخت نهی: حرف (لا) قبل فعل می آید و آخر فعل مجزوم میشود. یعنی ضمه آخر فعل تبدیل به ساکن میشود و اگر آخر فعل نون داشت، نون آن حذف می شود به جز جمع مؤنث.

فرق فعل نهی و مضارع مجزوم:

در مضارع منفی آخر فعل تغییری نمیکند. فقط معنی آن منفی میشود.

 **مثال:** تَكْتُبُونَ (می نویسید) منفی اش میشود: **لا تَكْتُبُونَ** (نمی نویسید)

در فعل **نهی** آخر فعل تغییر می کند. (مجزوم میشود به جز صیغه های جمع مؤنث که نفی و نهی آن در ظاهر یکسان است) و معنای نهی می دهد.

 **مثال:** تَكْتُبُونَ (می نویسید) نهی آن میشود: **لا تَكْتُبُوا** (ننویسید)

وزن و حروف اصلی کلمات

اکثر کلمه ها در زبان عربی سه حرف اصلی دارند که در کلمات هم خانواده این سه حرف مشترک هستند. به این سه حرف «حروف اصلی» یا «ریشه» کلمه می گویند.



۱- به حرف اول حرف اصلی «فاء الفعل»، به حرف دوم از حروف اصلی «عين الفعل» و به حرف سوم آن «لام الفعل» می گوئیم.

۲- بسیاری از کلمات علاوه بر حروف اصلی از حروف دیگری تشکیل شده اند که به آنها حروف زائد می گویند؛ مثلاً در جالس: سه حرف اصلی «ج ل س» و «الف» حرف زائد می باشد. در مُحکوم، «ح ک م» سه حرف اصلی و «میم و واو» حروف زائد می باشند.

وزن کلمه

برای به دست آوردن وزن کلمه کافیست سه حرف اصلی آن کلمه را بدون تغییر حرکت به ترتیب با سه حرف «ف ع ل» جایگزین کنیم تا وزن آن به دست بیاید.

مُد	ج	ا	لَ	سَ	ة	مُجَالَسَة
مُد	ف	ا	عَ	لَ	ة	مُفَاعَلَة

ترکیب وصفی و اضافی

دو اسمی که در کنار هم قرار گرفته و با هم معنا می‌شوند، دو حالت دارند:

ترکیب وصفی

۱- اگر اسم دوم، اسم اول را توصیف کند و حالت یا ویژگی آن را توضیح دهد به آن صفت می‌گوییم. اسم اول نیز موصوف نامیده می‌شود.

به مثال‌های زیر دقت کنید:

حکمةً بِالْغَةِ، حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ، التَّلْمِيزُ النَّشِيطُ

در این مثال‌ها کلمه دوم کلمه اول را توصیف کرده، بنابراین ترکیب وصفی می‌باشند.

المُعَلِّمَانِ النَّاجِحَانِ، الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ	۱- تعداد: مفرد و مثنی و جمع
قُدْرَةٌ مُقْتَدِرَةٌ	۲- جنس: مذکر و مؤنث
الْأَشِعَّةُ الْفَضِيَّةُ، أَشِعَّةُ فَضِيَّة	۳- معرفه و نکره: (پایه یازدهم)
جِبَلًا مُرْتَفَعًا، كِتَابٌ مُفِيدٌ	۴- اعراب: (رفع، نصب، جر)



۱- نام دیگر موصوف و صفت، منعت و نعت می‌باشد.

۲- صفت در ۴ مورد از موصوف خود تبعیت می‌کند.

۳- اگر کلمه‌ای جمع غیر انسان باشد صفت آن به صورت مفرد مؤنث می‌آید:

الأحجار الجميلة، الجُمَلات الذهبية، الملابس النسائية

ترکیب اضافی

۲- اگر اسم اول به اسم دوم اضافه شود و حالت تو صیغ ندا شته باشد، به اسم اول مضاف و به اسم دوم مضاف‌إلیه می‌گوییم.



۱- مضاف‌إلیه همواره مجرور است (-، -َ، -ِ، -ِيْنَ، -ِيْنَ) ذو حِکْمَةٍ، أمير المؤمنين، قاعة المطار

۲- اسمی که مضاف واقع می‌شود، ال و تنوین و نون مثنی و جمع نمی‌گیرد. مُعَلِّمُوا الْمَدْرَسَةَ، نافذة العُرْفَةِ

۳- ضمیری که به اسم بچسبد، حتما مضاف‌إلیه است. مانند «ها» در جَذَوْتَهَا و «کَ» در اسْمُكَ

۴- اگر یک کلمه هم صفت و هم مضاف‌إلیه داشته باشد، ابتدا مضاف‌إلیه می‌آید و سپس صفت. اما در ترجمه

فارسی، اول صفت را ترجمه می‌کنیم. عقیدتنا الإسلامية: عقیده اسلامی ما